

طنز در ادبیات معاصر بلوچی

(مطالعه موردی مجموعه طنز «چشین شوم» شازده)، اثر عابد آسکانی)

دکتر موسی محمودزهی*

چکیده

در ادبیات، تجربیات زندگی با زبان خاص ادبی بیان می‌گردند. طنز نوعی ادبی است که در آن تجربیات زندگی به صورتی لطیفه‌گونه اما با هدف اصلاح، آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی به صورت تأثیرگذار نشان داده می‌شوند. طنز به صورت‌های نظم و نثر در ادبیات جهان و از جمله در ادبیات فارسی و بلوچی نیز نمود یافته است. مقاله زیر با روشی توصیفی، پس از بحث مختصری در باره طنز در زبان بلوچی، به معرفی آثار طنز عابد آسکانی با تکیه بر محتویات یکی از آن‌ها به نام «چشین شوم» شازده می‌پردازد. این کتاب خود مجموعه‌ای از ۶۰ قطعه شعر طنز با مضامین مختلف از زندگی مردم بلوچستان، به ویژه مردم بلوچستان پاکستان، را در بر دارد. نتایج نشان می‌دهد که شاعر توانسته است با زبانی ساده و با بیانی کاملاً محلی، تار و پود معضلات اجتماعی و فرهنگی جامعه بلوچستان را شکافته و اثر اندرزی ارزشمندی از خود به جای بگذارد. به نظر نگارنده مقاله، این کتاب ارزش آن را دارد که از طریق مقالات علمی بیشتر معرفی شده و با ترجمه به زبان‌های دیگر ارتقا بخشی گردد.

کلیدواژگان: بلوچستان، ادبیات، ادبیات معاصر بلوچی، طنز در ادبیات بلوچی، مجموعه آثار طنز عابد آسکانی.

moosa.mahmoodzehl@yahoo.com

*دانشیار دانشگاه ایرانشهر

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۵



مقدمه

زندگی انسان با خوشی و ناخوشی عجین است. گاهی خوشی به سراغ آدمی می‌آید و آدمی در آسمان‌ها به پرواز در می‌آید و گاه در دریای غصه‌ها غوطه‌ور می‌شود. روزی موفقیتی حاصل می‌نماید و روزی شکستی را تجربه می‌کند. به عبارتی، هر بهاری را خزان است و برعکس. به هر حال تمام این غم و شادی‌ها به انسان تجربه می‌بخشد. در باره تجربیات زندگی، شاعری در زبان فارسی می‌گوید: چنانست بیاموزد این روزگار / که هیچت نیاموزد آموزگار.

ادبیات که عمدتاً به آثار نظم و نثر مکتوب اطلاق می‌شود، یکی از بهترین راه‌های بیان این تجربیات به عنوان یک رسانه به دیگران است. در تعریف یک اثر ادبی مهدی نوروزی و پرویز بیرجندی می‌گویند:

«Literature is writing in prose or verse that has excellence of form or expression. Usually, literature presents ideas of permanent or universal interest» (Nowruzi & Birjandi, ۲۰۰۴:۴۰).

ترجمه: ادبیات نوشتن به نثر و یا شعر می‌باشد که در آن سبک یا یک سیمای کامل و برتر وجود دارد. ادبیات معمولاً ایده‌هایی از علاقه و تمایل عامی یا دائمی را ارائه می‌دهد (گودرزی و یاراحمد، ۱۳۷۱: ۲۴).

شعر بخش مهمی از ادبیات هر سرزمینی را تشکیل می‌دهد. پرین در باره شعر می‌گوید: «شعر کُل زندگی را قلمرو فعالیت خود می‌داند. توجه اصلی و اولیه شعر به زیبایی، واقعیت فلسفی، و متقاعد ساختن نیست بلکه علاقه‌مند تجربه است. زیبایی و واقعیت فلسفی جنبه‌های تجربی هستند و شاعر غالباً درگیر آن مفاهیم است. با این وجود، شعر به طور کلی همه جنبه‌های تجربه - زشت و زیبا، معمولی و عجیب، شریف و پست، واقعی و تخیلی - را مورد نظر دارد» (۱۳۷۹: ۱۲).

بحث طنز که نیمی از مقاله را تشکیل می‌دهد، خود نوعی ادبی به حساب می‌آید که به صورت‌های نظم و نثر در ادبیات جهان و از جمله ادبیات فارسی و بلوچی نیز نمود می‌یابد. کسی که با رویکرد ادبی وارد عرصه طنز می‌شود، باید از تجربیات قابل ملاحظه‌ای در زندگی برخوردار باشد. مصطفی دشتی در مورد طنز می‌گوید: «طنز در اصطلاح لطیفه‌ای است که می‌تواند خنده یا احیاناً زهرخندی بر لب بشاند؛ اما هدف از آن شوخی و بذله نیست، بلکه هدف متعالی تری در



طنز در ادبیات معاصر بلوچی (مطالعه موردی مجموعه طنز «چشین سوم
 ء شانزده» اثر عابد آسکانی)* دکتر موسی محمودزهی

پس آن است. هدف طنز اصلاح است و روش آن، آشنایی زدایی و برجسته‌سازی. طنزپرداز از آنچه همه ما می‌بینیم و می‌شنویم مایه می‌گیرد و چیزهایی را به ما می‌نماید که ندیده‌ایم و نشنیده‌ایم. طنز تذکر است، تذکری که به دلیل ابزار انتقالش، بسیار تأثیرگذار می‌تواند باشد» (دشتی، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

هر قدر مخاطب طنز با زمینه‌هایی که طنز بر اساس آن‌ها خلق می‌شود و رشد می‌کند بیشتر آشنا باشد، طنز را بهتر درک می‌کند و طنز تأثیر بیشتری بر او می‌گذارد. در این خصوص، دشتی می‌گوید: «طنز در دوره معاصر بیش از پیش با سیاست و اجتماع عجین شده و فهم آثار طنزآمیز بدون توجه به مسایل سیاسی - اجتماعی غیرممکن است» (همان، همانجا).

بلوچ‌ها هم به عنوان یکی از اقوام ایرانی که حوادث تاریخی در حدود ۳۰۰۰ سال را پشت سر گذاشته‌اند، مسلماً در ادبیات خود، در کنار دیگر انواع ادبی، به طنز (= وَشْکَنْد/ گُوشْکَنْد در زبان بلوچی) هم برای بیان تجربیات خود پرداخته و دانش خود را از این طریق به نسل‌های بعدتر منتقل کرده‌اند که آثار قابل توجهی از چنین مواردی در دسترس است. این آثار تا قرون اخیر بیشتر به صورت شفاهی نقل می‌شده‌اند که اخیراً نسبت به گردآوری و به کتابت تعدادی از آن‌ها اقدام شده است. در این میان آثار طنز یکی از شاعران معاصر بلوچ به نام «عابد آسکانی» از برجستگی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است به نحوی که شاید بتوان وی را بنیانگذار طنز بلوچی به معنی واقعی دانست. از وی تا کنون ۴ مجموعه طنز به نام‌های «چشین سوم» ء شانزده - ۲۰۰۰ میلادی، چشین نیک و نگبته - ... میلادی، میرجنگی ء میرزنگی - ۲۰۰۴ میلادی، و منی نوکیا - ۲۰۱۶ میلادی» به چاپ رسیده است.

در مقاله زیر، با روشی توصیفی، پس از بحث مختصری در باره طنز در زبان بلوچی، به معرفی آثار طنز عابد آسکانی با تکیه بر محتویات یکی از آن‌ها به نام «چشین سوم» ء شانزده^۱ که اولین اثر چاپ شده وی در طنز است و دارای ۶۰ عنوان طنزی است، پرداخته می‌شود. در کنار تکیه به منابع

^۱ داستان «شوم» و شانزده» از یک باور عامیانه در فرهنگ بلوچستان برمی‌خیزد که اگر روز شانزدهم ماه با روز شنبه از هفته تقارن پیدا کند، انجام بعضی کارها در چنین روزی شگون نیک ندارد و باید از آن‌ها پرهیز کرد.



مکتوب در باره طنز در ادبیات بلوچی، این فرصت به نگارنده نیز دست داده است که در مصاحبه-ای کوتاه با عابد آسکانی مطالبی را به صورت زنده از وی بپرسد و به اطلاع خوانندگان برساند.^۱ مقاله ضمن معرفی مختصری در خصوص تاریخ ادبیات و طنز بلوچی، معرفی عابد آسکانی؛ در پی پاسخ به پرسش زیر است: ویژگی‌های کتاب «چُشین شومّ و شانزده» از نظر یک اثر ادبی مهم در میان آثار بلوچی چیست؟

بحث

معرفی مختصر ادبیات بلوچی و جایگاه طنز در آن

تاریخ ادبیات بلوچی را به خاطر پراکندگی آثار ادبی آن، صاحب‌نظران مختلف به صورت‌های مختلف دسته‌بندی و دوره‌بندی کرده‌اند، که به نظر می‌آید در بخش ادبیات منظوم بلوچی معتبرترین دسته‌بندی توسط عبدالغفور جهان‌دیده ارائه شده است. وی می‌گوید: «با توجه به آثار منظومی که اکنون در دست داریم، ما تاریخ شعر بلوچی را به سه دوره کلی تقسیم می‌کنیم. هر کدام از این سه دوره، دارای چند دوره فرعی نیز هست. از آن جمله: ۱- دوره منظومه‌های حماسی، ۲- دوره شعرهای عاشقانه، ۳- دوره معاصر (جهان‌دیده، بی‌تا، ۱۱). وی بازه زمانی شعر معاصر بلوچی را از سال ۱۳۵۰ ه. ق. تا کنون می‌داند که موضوع این مقاله به این دوره اختصاص دارد. جهان‌دیده در خصوص ویژگی‌های این دوره می‌گوید: «این دوره از نظر تاریخی دوره مهمی است از این جهت که حوادث تاریخی و تحولات اجتماعی، تأثیر فراوانی بر افکار و شیوه زندگی مردم نهادند. تقسیم بلوچستان به دو بخش شرقی و غربی و تسلط کامل حکومت‌ها بر این سرزمین، از مهمترین تحولات تاریخی این دوره است. تأسیس مدرسه‌های جدید دولتی و همگانی شدن سواد و تحصیل و گسترش ارتباطات با دیگر اقوام و ملت‌ها، از مهمترین دگرگونی‌های اجتماعی به شمار می‌آید» (همان: ۱۷). وی در ادامه، یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌های ادبی این دوره را به شرح زیر بیان می‌کند: «شعر از یکپارچگی درونمایه و مضمون، بیرون می‌آید. پیش از این درونمایه شعر بلوچی، حماسه‌سرایی و به نظم درآوردن رخداد‌های تاریخی و در دوره میانی، توصیف معشوق و

^۱ مصاحبه روز جمعه مورخ ۹۵/۹/۲۱ در محل بنیاد ایران‌شناسی - واحد بلوچستان انجام شده است.



طنز در ادبیات معاصر بلوچی (مطالعه موردی مجموعه طنز «چشین شوم
 ء شازنده» اثر عابد آسکانی)* دکتر موسی محمودزهی

اشعار عاشقانه و گاهی مسائل اخلاقی و اندرز بود. اما در دوره سوم (= معاصر) شعر مردمی شد و شاعران به مسائل اجتماعی، سیاسی، و نقدِ سنت‌های غلط پرداختند» (همان: ۱۸). او در همانجا می‌افزاید: «موضوع دیگری که شاعران این دوره به آن پرداختند، مسایل سیاسی و اجتماعی بود. اندیشه‌های ضد تبعیض قومی و مخالفت با اندیشه‌های برتری‌جویانه برخی از افراد و قبیله‌ها، اگر چه پیش از انقلاب اسلامی، شکل گرفته بود، اما با آغاز حکومت اسلامی شدت گرفت و بخشی از شعر این دوره را تشکیل می‌دهد» (همانجا).

عبدالغفور جهاندیده نام تعدادی از شاعران معروف این دوره را به شرح زیر برمی‌شمارد که «عابد آسکانی» را در کنار دیگر شاعران این دوره از ادبیات بلوچی، از مهم‌ترین شاعران این دوره می‌داند: مولوی عبدالله روایتد، سیدظهورشاه هاشمی، میرگل خان نصیر، شهداد کاروانی، ابابکر کلمتی، آدم حقانی، جوانسال بگتی، بائل دشتیاری، عطاشاد، آزات جمالدینی، کریم دشتی، مراد ساحر، احمد جگر، احمد زَهریر، عبدالرحیم صابر، الجوهرواجه، عبدالمجید روایتد، عبدالغنی مُنیب آفشانی، گل محمد صالح زَهی، محمد روایتد، محمدنور پسند، دوست محمد بیگس، عبدالمجید گوادری، اکبر بار کزنی، بشیر بیدار، مبارک قاضی، جی. آر. مُلا، محمد اشرف سربازی، منیر مؤمن، محمد حسین عنقا، محمدنصیر گُبدانی، عباس علی زیمی، محمد صدیق آزات، تاج محمد طائر، ملا محمود ویدادی، عبدالکریم شورش، ظفر علی ظفر، غلامحسین شوهاز، گل محمد وفا، مولابکش مولی، غلام بهار، علی بکش دشتیاری، بائل همراز، غلامرسول رهگوز، جبار دلدار، میرعمر میر، شفا بلوچ، ... (همان: ۱۹).

معرفی عابد آسکانی و آثار طنز او

نام اصلی وی عبدالکریم آسکانی است که او را با نام قلمی عابد آسکانی می‌شناسند. وی در سال ۱۹۵۶ میلادی در کراچی به دنیا آمد. اجداد او اهل روستاهای گزور و ایشکستگ در شهرستان سرباز در ایران بودند. او مدرک لیسانس در رشته ... از دانشگاه ... دارد و تا شرح جامی درس دینی خوانده است. او زبان‌های بلوچی، فارسی، سندھی، پنجابی، اردو، انگلیسی و عربی را می‌داند و به زبان‌های فارسی، بلوچی و اردو شعر می‌سراید. او در عرصه ادبی و علمی بیشتر به کارهای رسانه‌ای پرداخته که ... را به عهده داشته است.



عابد آسکانی در سال ۱۹۷۵ میلادی در عرصه ادبیات بلوچی گام نهاد و شروع به نگارش و سرایش آثار ادبی کرد. از عابد آسکانی تاکنون آثار زیر به چاپ رسیده است: مَزَن هُور و بلوچ لَچَه کار (= شاعران بلوچ در کشورهای خلیج فارس و دریای عمان)، میرجنگی و میرزنگی، بی بی سزین و نام، سَریمِگین بازار، مِسکین میدان، رنگ و گواهی، سَسَاءِ بهار گاه، تَرَسین ترانگ، چُشین شوم و شانزده، چُشین نیک و نِگبِهت، مَنی نوکیا، دادشاه، گُل سَسَا، مَگه و دَرَبَدِ کَپوت، دَرشان و زَرشان که همگی مرکز انتشارات بهارگاه در پاکستان به چاپ رسیده‌اند. او آثار دیگری دارد که آماده چاپ هستند از جمله: جی مَگَران، جی بلوچستان، شهید لَچَه کار، بلوچی نام، آسکان چینی، گَمجَتین گَبِرانچ، جَز و مُروارد، بلوچ - بلوچی - بلوچستان. او در چاپ آثار با دیگران و چاپ آثار دیگران هم همت گماشته است. از جمله کتاب «شَهَسَا» را با همکاری اصغر درآمد، و کتاب «کِیچ و چِنال» را با همکاری خلیل باذل به چاپ رسانده و کتاب‌های «پُلین مِستاگ و دل و پاهار» از آثار کریمداد کزوری را به چاپ رسانده است. مجموعه طنز «چُشین شوم و شانزده» یکی از اولین آثار چاپی نامبرده است. او اکنون ساکن روستای اِشکستگ در شهرستان سرباز در ایران است.

طنز در ادبیات مکتوب بلوچی جایگاه تازه‌ای دارد و شاید بتوان گفت با آثار طنز عابد آسکانی به اوج خود رسیده است. به نظر می‌آید کامل‌ترین مجموعه طنزها در ادبیات معاصر بلوچی مربوط به عابد آسکانی باشد. وی با زبانی ساده و به خصوص شعرگونه و با درکی عمیق از جامعه بلوچستان، آثاری بدیع در ادبیات بلوچی معاصر آفریده که شنونده را به وجد می‌آورد و در عین حال به درکی از زندگی روزمره با زبان طنز می‌رساند. در باره سادگی و قابل فهم بودن آثار عابد آسکانی، عبدالحمید ایران نژاد می‌گوید: عابد زبانی ساد و پلگارانته، و عابد شیر هنجوش گوشه دَسَتی دِلانته. ای یک مَزَنین هُنری مان شاعری یا زانگ بیت، وانوک مه عابدی شیران تاب و رِسی نَگندیت (نقل از عبدالحمید ایران نژاد، پشت جلد کتاب «سَسَاءِ بهار گاه»، چاپ ستا ۲۰۱۶ میلادی).^۱

^۱ ترجمه گفته عبدالحمید ایران نژاد به فارسی چنین است: زبان شعر عابد ساده و زیباست. اشعار عابد مانند کف دست واضح هستند. این سادگی و وضوح خود نوعی هنر بزرگ در شاعری محسوب می‌شود. خواننده در شعر عابد پیچیدگی و تکلف نمی‌بیند.



ویژگی‌های کتاب «چشین شوم و شازنده» از نظر یک اثر ادبی مهم در میان آثار بلوچی

در ادبیات معاصر بلوچی، به نظر می‌آید اولین نفر عابد آسکانی باشد که به این سوی روی آورده و اولین اثر خود را به نام «چشین شوم ء شازنده» به چاپ رسانده است. وی آثار طنز دیگری هم دارد که در تمام این آثار حق طنز را با توجه به آثار اولیه خوب به جای آورده است. او در طنز «چشین شوم ء شازنده» چند هدف را مطرح کرده است که به نظر می‌آید سه هدف مهم‌تر باشند: ۱- بیانی ساده و روشن از اوضاع فرهنگی و اجتماعی بلوچستان کنونی، ۲- بیان مطالب با تکیه بر معرفی واژگان فرهنگی و ادبی و دیگر زمینه‌های زبانی زبان بلوچی، ۳- انتقال فرهنگی اوضاع کنونی بلوچستان به نسل‌های آینده^۱.

مجموعه طنزی که در این مقاله مورد بحث است، کتابی به نام «چشین شوم و شازنده!»، اثر عابد آسکانی، که در ۱۵۹ صفحه، با ۶۰ عنوان طنز، در سال ۲۰۰۰ میلادی در چاپخانه بهارگاه، در شهر حَب پاکستان به چاپ رسیده است. این کتاب به زبانی ساده و شیوا در قالب شعر سروده شده که دارای نظم دلنشین است. بسیاری از ویژگی‌های شعر دوره معاصر ادبیات بلوچی را در خود به خوبی نشان می‌دهد. موضوع آن غالباً بر پیام‌های فرهنگی - اجتماعی تکیه دارد که از اشاره به مسائل سیاسی زمان نیز دور نمانده است. سراینده خود در پیشگفتار کتاب می‌گوید: «چشین شوم و شازنده مَنی زندی آدینک انت. چاگردی آد و جنجالانی دپترانت که وتی بسترائی پدا ایشانی توجیه شوهاز کُتنگ و هر یگی گیش و گیوار دانگک. ای تهلی نه انت که منی کنان، لچه گوشای ای ره‌بندا بلوچی ژبان و ادبی تها یک نوکین تام و نوکین پجاری که په ساگمی و مهر (نی که په گر و نهر و واژگ) وانوک و گوشداروک ء دلگوش همی آرانی نیمگا تریتنگ (آسکانی، ۲۰۰۰: ۷). ترجمه: مجموعه طنز «چشین شوم و شازنده» آینه زندگی ماست. این کتاب دفتر بیانگر معضلات اجتماعی

^۱ مقولات او در کتاب «چشین شوم و شازنده» بیشتر با مصداق‌های بلوچستان پاکستان منطبق است، ولی از روزی که به ایران آمده، در باره بعضی از مقولات مورد توجه در فضای بلوچستان ایران مانند یارانه، ... هم طنز سروده است. مثلاً بلوچ‌های پاکستان بیشتر به مشکت می‌رفته‌اند و بلوچ‌های این طرف به دبی و کویت و عراق می‌رفته‌اند و ... عابد هم بزرگ شده بلوچستان پاکستان است و اشاره به بلوچ‌ها همگانی است و عابد در عصر شعر و شاعری بلوچی است و همه چیز را از نزدیک دیده است و مخصوصاً با رسانه‌ها عجین بوده است.



جامعه ماست که در پی اهداف خود این معضلات را مورد پژوهش قرار داده و به خوبی از همدیگر تفکیک کرده است. این تعریف بی‌جایی نیست که از این کار خود می‌کنم ولی می‌توانم بگویم این کار من در ادبیات بلوچی یک اثر تازه و یک شناخت تازه است که توجه خوانندگان را با آرامش و ملاحظت (و نه با اجبار و تکرار و زیاده‌گویی) به سوی خود جلب می‌کند.

چُشین شوم و شانزده قوی‌ترین اثر طنزی است که مردم بلوچ با آن آشنایی دارند و پس از آن مجموعه «میرجنگی و میرزنگی» اثر همین طنزپرداز است که او را بسیار معروف کرده است. او این مجموعه را با نام کاملتر «چشین شوم» شانزده، چُشین چار کتابی: عجب فرد بدبخت و بی‌بند و باری معرفی می‌کند. «چهار کتابی» صفتی برای کسی است که زندگی از هم پاشیده‌ای دارد و در قید و بند هیچ چیز نیست و به ارزش‌های اجتماعی خود پایبند نیست و همیشه در جهت خلاف ارزش‌های اجتماعی زمان خود گام برمی‌دارد.^۱ او در این اثر ضمن بیان مطالب به طنز تقریباً به صورت نظم وار، در پایان یک بند منظوم به عنوان و یا بندهایی به صورت نقل قول از دیگران می‌آورد که آن طنز را شیرین تر کند. مانند «هیچ عیبی مان نیست انت نِس // یگین چلیم کَشیت و بس. مَرکا دوانیست انت نِس // مرکی دوا مرک انت و بس. یا مَرکا که کدی ی کَم بیت رندا و ت جُدیت سرجم بیت. او پس از این کتاب، کتاب طنز دیگری نوشته به نام «چشین نیک و نگهت: عجب فرد سعادت‌مندی» که دقیقاً مکمل همین کتاب است و در آن تمام خوبی‌ها در برابر این مشکلات نشان داده شده‌اند.

او سعی دارد در ضمن طنزها، فرهنگ و زبان و ادبیات و اخلاقیات بلوچی را معرفی کند، به همین دلیل به تنوع مطالب دست می‌زند و به مقولات مختلف می‌پردازد؛ آنچنانکه می‌توان گفت ۶۰ قطعه مورد بحث در کتاب، ۶۰ موضوع اجتماعی - اخلاقی مختلف را تعقیب می‌کنند. از مسائل دل‌نگرانی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و معضلات اجتماعی چون اعتیاد و ازدواج اجباری و بی‌احتیاطی در رانندگی، پدیده‌های مرگ و زندگی، سرمایه‌داری و نداری، دخالت پدر و مادران در زندگی آینده فرزندان با ردیف کردن برنامه ازدواج آن‌ها، تا مسائل سیاسی و ناسیونالیستی، و قوم

^۱ چهار کتابی صفتی است برای چهار کتاب / چار کتاب: کتاب‌های آسمانی زبور، تورات، انجیل و قرآن، (انوری، ۱۳۸۸:



دوستی و وطن دوستی و تا یاد یاران. در جایی از انواع درختان نام می‌برد و در جایی دیگر از انواع حشرات و حیوانات و امراض و خوراک‌ها، و واژگان دامداری و شیردوشی، و دعای خیر و نفرین‌ها؛ که به نحوی می‌توان این اثر را از آثار مردم‌شناسی برشمرد.

بعضی از این قطعات به تناسب موضوع تا ۱۰۲ بند مانند شماره ۶ و بعضی مانند شماره ۵ فقط شامل ۱۰ بند هستند. تعداد بندهای هر قطعه همیشه زوج است. آخرین قطعه طنز شامل ۱۷۲ بند است که او در باره ناپایداری دنیا حرف می‌زند و خود را شخصیت اصلی داستان معرفی می‌کند و از تمام دوستان معروف خود یک به یک نام می‌برد و از آن‌ها یاد می‌کند و به نحوی حق آن‌ها را ادا می‌کند و می‌گوید با برچیدن هر کدام از این گل‌ها هربار دل کباب شده است. او می‌خواهد بگوید این دوستان در سکوت در گذشته اند و بر بلوچ‌ها است که آثار آن‌ها را ارتقاء بخشند. او در این قطعاتِ طنز همیشه شخصیت‌های خیالی می‌آفریند و گاهی خود را مثال می‌آورد و عابد خطاب می‌کند. یکی از کارهای خوب که او در این مجموعه کرده است، مکان و زمان آن طنز را زیر آن ذکر کرده که این موضوع دارای اهمیت است از نظر پیوستار زمان و مکان که در تمام جهان موضوعیت دارد. همه اشعار سروده از نظر تاریخی از ۱۹۹۶ تا سال ۱۹۹۹ میلادی هستند و بیشتر در هَب و کراچی سروده شده‌اند. و بعضی تاریخ ندارند و بعضی تاریخ دارند ولی مکان سرودن آن‌ها مشخص نیست.

نام‌های اشخاص داستان‌ها همه بلوچی هستند مانند کَمبر، کَرَم بیک، نورمَلِک، سازین، و...، که با خواندن این کتاب، خواننده با تعداد زیادی از نام‌های بلوچی آشنا می‌شود. محیط هر کدام از ۶۰ قطعه طنز کاملاً انگار بلوچی است و به نظر می‌آید که داستان‌ها کاملاً در یک بستر زندگی بلوچی اتفاق می‌افتند. فرهنگ و آداب و رسوم و نحوه زندگی اجتماعی در قطعات کاملاً پیداست و بسیاری از مسائل روز مردم بلوچستان به تصویر کشیده شده‌اند.

بعضی قطعات بلند است و شخص را با خود خیلی می‌کشانند و به داستان اوج و پختگی می‌دهد و در نهایت به یکباره پیام اصلی داستان به دست می‌آید، اما بعضی‌ها خیلی کوتاه هستند و شخص خیلی زود به اصل پیام داستان می‌رسد. با اینکه این کار اولین مجموعه طنز عابد آسکانی است ولی به نظر می‌رسد خیلی کار محکمی است و قفل و بست و پیوستگی مطالب و شروع و اوج



آن در هر قطعه و در نهایت در کُلّ مجموعه به خوبی پیداست. و پیام را به درستی بیان می‌کند. و گاه موضوع را اوج می‌دهد و بعد در یک جمله که حسن ختام است، موضوع را با زبانی دل‌نشین به پایان می‌برد و آنجا که او خود این طنزها را با زبان خود می‌خواند، خواننده واقعاً می‌خکوب می‌شود و به او احسن می‌گوید. او در این کارش با تناسب موضوع از ناب‌ترین ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات زبان بلوچی در جای لازم استفاده می‌کند و حلاوت دوچندانی به اثر خود می‌بخشد. به طور کلی این مجموعه شامل ۶۰ قطعه طنز با نکات کلیدی زیر است:

۱. با عنوان «چارکتابی»، دارای ۳۸ بند؛ در ۱۳ بند آن جملهٔ تعجبی «چشین شوم ء شانزده، چشین چارکتابی!» به صورت ترجیع بند استفاده شده است. این قطعه به طور خلاصه بر موارد زیر اشاره دارد: ندانستن تفاوت خوب و بد، عادت به بیکاری و تن‌پروری و در عین حال دارای ادعاهای واهی و رفتار غرورآمیز، عدم مراعات ادب و احترام، دوری از صبر و اصرار بر تعجیل در امور زندگی، شتابکاری، اصرار بر بدمرامی، عدم قدرشناسی بزرگان، بی‌توجهی به سلام و احوالپرسی، عدم پایبندی به اخلاق، مذهب، آداب و رسوم و فرهنگ قومی، عدم توجه به زبان مادری، استفاده از مواد مخدر، عادت به جرّ و بحث‌های بی‌مورد و بی‌نتیجه، افراط و تفریط در کارها، تمایل بسیار به گناهکاری و بزه‌کاری.

۲. با عنوان «کروپتی»، دارای ۱۴ بند؛ این قطعه به طور خلاصه بر موارد زیر اشاره دارد: اهمیت سرمایه‌داری و پول را باعث افزایش اعتماد به نفس و حلال تمام مشکلات دانستن، پول را تهدیدکنندهٔ دین و ایمان دانستن، بی‌ارزش دانستن ضُعبفا.

۳. با عنوان «چلیم»، دارای ۱۴ بند؛ یادآوری مصرف مواد تدخینی به عنوان یک ضعف در شخصیت فرد. در این قطعه از مادهٔ تدخینی تنباکو که در چلیم/قلیان استفاده می‌شود، نام برده شده است.

۴. با عنوان «نورجهان»، دارای ۳۰ بند؛ دشواری کسب روزی و گذران زندگی در بلوچستان با وصف تعدد جمعیت در خانواده‌ها، و نبود اشتغال و ابزار کسب در آمد. مصیبت بارتر آنکه غالباً در اثر بی‌توجهی افراد خانواده، تنها وسیلهٔ کسب درآمد تلف می‌شود. در این قطعه، وسیلهٔ کسب درآمد یک خانوادهٔ پرجمعیت، تنها یک الاغ به نام «نورجهان» است که این الاغ می‌میرد و خانواده کاملاً مستأصل می‌ماند.



۵. با عنوان «چَلک ء دَلک»، دارای ۱۰ بند؛ قهر و آشتی‌های خواهر و برادران کم سن و سال در یک خانواده به خاطر موضوعات بسیار بی‌اهمیت مانند خطاب کردن یکدیگر با کلمات تحقیرآمیز، و.... نقش افراد بزرگتر در خانواده برای جلوگیری از این گونه معضلات به خاطر فقر فرهنگی و تربیتی چشمگیر نیست.
۶. با عنوان «عابد سید گنج کدی چاپ بیت؟»، در ۱۰۲ بند؛ در بیان انتظار کشی طولانی برای بعضی برآورده شدن انتظاراتی که مربوط به دغدغه‌های دینی، زبانی، فرهنگی، ادبیاتی و مانند آن هستند. بسیاری از آرزومندان این آرزوها را با خود به گور می‌برند. در این قطعه به آرزوی بسیاری از علاقه‌مندان به زبان بلوچی اشاره شده که در زمان حیاتشان بزرگترین فرهنگ لغت یک زبان بلوچی به بلوچی به نام «سید گنج» به چاپ نرسید و آن‌ها این آرزو را با خود به گور بردند. سرانجام این فرهنگ لغت در سال ۲۰۰۰ میلادی با حدود ۲۶۰۰۰ مدخل به چاپ رسید. ضمناً این قطعه گریزی به این موضوع نیز می‌زند که «اصحاب فرهنگ، هنر و ادبیات مورد بی‌مهری قدرتمندان و ثروتمندان جامعه هستند».
۷. با عنوان «مشکنتی پیرمرد»، دارای ۳۶ بند؛ در بیان دشواری ازدواج جوانان به خاطر نداشتن سرمایه و سنگینی رسوم مهریه و مخارج عروسی. این قطعه می‌گوید مرد جوانی که آرزوی ازدواج با دختر زیبایی را داشت، به خاطر موارد ذکر شده موفق به ازدواج با آن دختر نشد و پیرمردی که با کار کردن در مسقط سرمایه هنگفتی اندوخته بود، با آن دختر ازدواج کرد. این گونه موارد در بلوچستان نسبتاً چشمگیر است.
۸. با عنوان «پندولین پشک»، دارای ۶۰ بند؛ در بیان احوال تعدادی از افراد بلوچ که برای مدتی برای کار به کشورهای خارجی و به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان می‌روند و گاهی توفیق می‌یابند که همسر و فرزندان خود را نیز به این کشورهای خارجی ببرند. بعضی از این افراد خیلی زود تحت تأثیر زبان، فرهنگ، آداب، و اخلاقیات کشور خارجی قرار می‌گیرند و زبان، فرهنگ، آداب، و اخلاقیات کشور خود را فراموش می‌کنند. این تغییر چشمگیر آنان، برای تعدادی از افراد خانواده شان قابل تحمل نیست و باعث نگرانی و جدایی آن‌ها از یکدیگر می‌شود.



۹. با عنوان «ماماپنچرو، ماماتوترو»، دارای ۲۲ بند؛ در بیان آثار مهاجرت نسل‌هایی از افراد به مناطق دیگر و دور ماندن آن‌ها از زبان مادری‌شان، و به بیگانه بودن نسل‌های جوان با زبان پیشینیان خود به دلیل عوض شدن مدلول‌ها. در این قطعه مخصوصاً تغییرات زبانی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این نشان می‌دهد که بخش بزرگی از دانش بشر در پیوستگی با زمان و مکان است.
۱۰. با عنوان «درتالین گُلاه»، دارای ۲۰ بند؛ در بیان تفاوت طبقات اجتماعی از نظر میزان دارایی، به نحوی که ناداران چنان محو و مجذوب دارایی‌های فراوان داراییان می‌شوند که در صدد رقابت با آنان بر می‌آیند و در این رقابت، دارایی‌اندک خود را می‌بازند. این قطعه می‌گوید اگر این دو قشر ناهمگن با یکدیگر الفت ورزند، به خاطر عدم توازن و تعادل طرفین، الفت آن‌ها سرانجامی ندارد و غالباً سرِ فردِ نَدار بی‌گُلاه می‌ماند.
۱۱. با عنوان «بَزگین مات»، دارای ۲۲ بند؛ وصف حال زنی که فرزند یا همسرش برای کسب روزی به مسقط/ عمان و یا دیگر کشورهای عربی و یا سرزمین‌های دیگر رفته و در همانجا در گذشته و هرگز به سرزمینی خودش برنگشته است. این گونه زنان که نمونه‌های آن در بلوچستان بسیار است، مرگ عزیزان از دست رفته خود را در خارج از سرزمین مادری خود نمی‌پذیرند و همیشه منتظر دیدار آن‌ها هستند. این گونه مادران و خواهران و گاه پدر و مادران به مرز جنون می‌رسند و از هستی ساقط می‌شوند و در دنیای مردگان زندگی می‌کنند.
۱۲. با عنوان «بَهِت»، دارای ۱۰ بند؛ در بیان تأثیر بخت و اقبال بر زندگی، به خصوص در ازدواج و زندگی مشترک که بلوچ‌ها خیلی به آن معتقدند.
۱۳. با عنوان «کَمبَر»، دارای ۱۴ بند؛ در بیان مرگ‌های نابهنگام و غیرمنتظره که گریبانگیر افراد کوچک و بزرگ بلوچ می‌شود چنانکه آن‌ها به بهانه یک بیماری مختصر، به خاطر نبود امکانات پزشکی و بهداشتی و گاهی با اعتقاد به چیزی مانند چشم زخم و مانند آن آماج مرگ می‌شوند و خانواده و اطرافیان را در سوگی جانکاه می‌نشانند. در این قطعه، پسر مدرسه‌ای به نام «کَمبَر» هنگام بازگشت از مدرسه، احساس لرز می‌کند و به رختخواب می‌رود و دیگر از رختخواب بر نمی‌خیزد.



۱۴. با عنوان «کاپر»، دارای ۱۶ بند؛ در بیان معضلاتِ مهاجرت‌های اجباری بلوچ‌ها از سرزمین مادری برای کسب روزی. آن‌ها در این رهگذر، مجبور می‌شوند که خود با فرهنگ، زبان، و آداب و رسوم اقوام دیگر مانند عرب، هندی و پاکستانی با تحمل دشواری‌های فراوان تطبیق دهند. یکی از اقلاری که در سرزمین‌های غریبه نسبت به بلوچ‌ها نامرادی روا می‌دارد، نیروهای دولتی آن سرزمین‌ها است. بخشی از این معضلات به خاطر تأثیر منفی مرزهایی است که در سده‌های اخیر توسط استعمار کشیده شده و سرزمین مادری بلوچستان را چندپاره کرده است.

۱۵. با عنوان «بجاری»، دارای ۳۲ بند؛ در بیانِ عدم استفاده صحیح از وسایل نقلیهٔ باربری و مسافری، و دردسرهایی که در این خصوص گریبانگیر بلوچ‌ها می‌شود و خسارات جانی و مالی فراوانی به بار می‌آورد. به نظر می‌آید یکی از عللِ اساسی این گونه معضلات، عدم آشناییِ درستِ استفاده‌کنندگانِ این وسایل با فرهنگ استفاده از آن‌هاست. دوم اینکه این وسایل و جاده‌هایی که بر آنان تردد می‌کنند، از ایمنی استاندارد لازم برخوردار نیستند.

۱۶. با عنوان «گوندار ء سیه‌مار»، دارای ۱۰ بند؛ در بیانِ نادان به حساب آوردن بچه‌های خردسال از سوی والدین؛ در حالی که ممکن است بچه‌های خردسال هم با همان تجربهٔ ناچیز خود دارای قدرت تجزیه و تحلیل لازم برای تفکیک چیزها از یکدیگر و معرفی و توصیف آن‌ها باشند.

۱۷. با عنوان «نورملک»، در سه قسمت دارای ۱۴۴ بند؛ در بیان قابلیت‌های فراوان دختران بلوچ از نظر همکاری با خانواده در امور خانوادگی به صورت خستگی‌ناپذیر، زیبایی غیرقابل وصف، برازندگی در اخلاق، و تحمل دشواری‌های فراوان از جمله ازدواج‌های تحمیلی از سوی والدین و افراد قوم. در این قطعه آمده است که قابلیت‌های حسنهٔ دختران بلوچ حتی در مواردی توسط والدینِ خودِ آن‌ها هم نادیده گرفته می‌شود که زندگی دختران را به خاک سیاه می‌نشانند. نکتهٔ اوج طنز آنجاست که دختری زیبا و با کمالات را به ازدواج اجباری پیرمردی که اعتقاد دارند از نژاد اصیلی است، درمی‌آورند، و دختر تنها چیزی که از این پیرمرد به اصطلاح نژاده نصیبش می‌شود، بیماری ایدز است.



۱۸. با عنوان «چَریان»، دارای ۷۶ بند؛ در بیان... افراد بخیل که بخشندگی ندارند و با وصف دارایی زیاد به کسی و یا نهادی کمکی نمی‌رسانند. و اگر در سختی و گرفتاری قولی می‌دهند چون مشکل شان رفع شود زیرقول خود می‌زنند و به وعده خود وفا نمی‌کنند در حالی که یکی از بارزترین ویژگی‌های بلوچ‌ها وفای به عهد بوده است. از کتاب جهان‌دیدة برای قول بلوچی استفاده شود. و این یکی از بزرگترین مشکلات بلوچ‌ها در این قرن است که به زودی از همه چیز دور شده‌اند.

۱۹. با عنوان «بیدلین گور»، دارای ۱۰ بند؛ در بیان نمونه‌هایی از بداخلاقی از سوی مردان و زنان که همراه با فتنه‌گری و دروغ حق‌زندگی سالم را از دختران جوان می‌گیرند و آن‌ها را به صرف بر خوداری از امکانات مادی، به عقد ازدواج افراد ناتوان حتی نابینایان مطلق در می‌آورند.

۲۰. با عنوان «گهگیر»، دارای ۶۸ بند؛ در بیان یک حادثه تاریخی که پیرمردی به خیانت خود در حق دادشاه (یکی از قهرمانان تاریخی بلوچستان) اعتراف می‌کند. او می‌گوید که دادشاه با نثار جان خود جاویدان شده و او با خیانت به دادشاه بدنام و رسوا شده است. او می‌گوید که قهرمانان قومی نباید فراموش شوند و به هر طریق مانند شعر، فیلم، ... باید یاد آن‌ها زنده بماند.^۱

۲۱. با عنوان «موتل ء هوتل»، دارای ۱۶ بند؛ در بیان موارد حق‌کشی که کسانی که چاره‌ای از گردن نهادن به دسیسه دیگران ندارند و در این راه با ساخت و باخت گروهی که به منافع می‌رسند، گروهی دیگر مشمول خسران می‌شوند. این گروه اخیر که دستشان به جایی بند نیست، باید کوتاه بیایند و بی سرو صدا به زندگی خود ادامه دهند.

۲۲. با عنوان «لالو ء لالگل»، دارای ۱۰۰ بند؛ در بیان معضل در تربیت فرزندان توسط والدین که هر کدام به فرزندان خود به صورت متعادل نگاه نمی‌کنند و بین بچه‌ها فرق می‌گذارند و هر کسی از پدر و مادران طرفداری از یکی از بچه‌ها می‌کنند و دیگری را سرکوفت می‌زنند و در

^۱ عابد آسکانی خود کتابی در باره دادشاه نوشته که در سال ۲۰۰۸ میلادی چاپ شده است. او در این کتاب ضمن نگارش مقدمه ای مفصل، مجموعه اشعاری را که درباره دادشاه خود وی و شاعران بزرگی مانند مولوی عبدالله روانبد پیشینی، ملا ابابکر کلمتی، لعل بخش، ملا جان محمد، گوهرام آسکانی، میراحمد دهانی، عزیزالله مبارکی، محمد یعقوب درازهی، عابد آسکانی، و چند شاعر ناشناس دیگر در باره دادشاه سروده اند، گردآوری کرده است.



واقع این به دلیل عدم آشنایی با اصول تربیتی است. با این که می‌خواهند کار تربیتی کنند، دوباره بچه‌ها را تهدید می‌کنند و می‌ترسانند و دوباره به حال خود رها می‌کنند و به جای توجه به تربیت بچه‌ها، حتی برای آن‌ها مشکل ایجاد می‌کنند.

۲۳. با عنوان «زبردست»، دارای ۱۲ بند؛ در بیان عدم بهره‌مندی بلوچ‌ها از حقّ استخدام در ادارات و سازمان‌های دولتی و به خصوص در نیروهای مسلح.

۲۴. با عنوان «چونین شاهی شاهد؟»، دارای ۱۰ بند؛ در بیان اوضاع امروزی جهان که به خاطر پیچیدگی و آشفتگی مسائل آن، کسی حقیقت را نمی‌داند، و کسی مسئولیت قبول نمی‌کند. مسائل غالباً شبیه به هم و تکراری است و تشخیص خوب از بد خیلی دشوار شده است. به عبارت دیگر سرخ گم شده و این پیچیدگی و آشفتگی گریبانگیر بلوچ‌ها هم شده است.

۲۵. با عنوان «جیل»، دارای ۴۴ بند؛ در بیان اینکه افراد نسل‌های حاضر با توجه به تغییر شیوه زندگی با کارهای نسل‌های گذشته - به عنوان مثال با شیردوشی - به درستی آشنایی و تخصص ندارند و گاه کارها را بدون دانش و تخصص کافی، بی‌نتیجه انجام می‌دهند و اموال و سرمایه‌هایی که گذشتگان با هزار زحمت به دست آورده‌اند، به راحتی از دست می‌دهند. به عبارت ساده، افراد نسل‌های گذشته به درستی دانش و تخصص خود را به نسل‌های آینده انتقال نداده‌اند و مجادله بین نسل‌های متوالی در بلوچستان همچنان مشکل‌ساز است.

۲۶. با عنوان «نرمین ء گرمین»، دارای ۳۲ بند؛ در بیان بداخلاقی‌های اجتماعی که بعضی از مردان و زنان بدکار به دنبال آن‌ها هستند و از حیا و شرم بدورند. اما کسانی که دارای حیا و شرم هستند، بی‌شرمان را بر سر جای خود نشانده و به آن‌ها مجال سوء استفاده نمی‌دهند و آن‌ها را از کرده خود پشیمان می‌کنند.

۲۷. با عنوان «کُکر ء هیک»، دارای ۵۲۰ بند؛ در بیان مباحثات و مجادلات بی‌اساس و وقت‌گیر بین خانواده و مدرسه و اینکه نظام آموزشی در بلوچستان بسیار ضعیف است و معلمان به جای تلاش در پیشبرد علمی دانش‌آموزان و پاسخ علمی به پرسش‌های آنان، دانش‌آموزان را با تنبیهات بدنی ترسانده و از درس و مباحث علمی دلسرد می‌کنند.



۲۸. با عنوان «مهرء کارچ»، دارای ۳۰ بند؛ در بیانِ رواجِ دزدی و تصاحبِ اموالِ دیگران، به خصوص با ترفند و اظهارِ دوستی، و به اصطلاح از پشت به کسی خنجر زدن.
۲۹. با عنوان «فیملی پلاننگ»، دارای ۲۴ بند؛ در بیانِ ازدواج‌ها در سنینِ پایین و صاحبِ فرزندان زیاد شدن که از یاد فرزندان باعث بروز مشکلاتی در نگهداری آنان می‌شود و تغذیه، بهداشت، تربیت و دیگر مواردِ زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتِ دیگر، بحثِ دانش خانواده جای خود را هنوز در خانواده‌ها باز نکرده و تناسبی بین تعداد اعضای خانواده و درآمد خانواده وجود ندارد. معضلِ دیگری که به این دشواری‌ها دامن می‌زند، بیکاری اعضای خانواده است و قشری از جامعه که زنان هستند، کار دولتی ندارند. مردانی که شغل دارند، حقوقشان کم است و به هیچ نحو کفافِ مخارجِ زندگی را نمی‌کند.
۳۰. با عنوان «پنچ پس»، دارای ۱۲ بند؛ در بیانِ اینکه به موضوعات به صورت دقیق توجه نداریم و با خیالات با موضوعات برخورد می‌کنیم؛ و تصور اینکه کارها ممکن است بر خلاف انتظار و پیش‌بینی ما اتفاق بیفتند.
۳۱. با عنوان «مئی بلاه گران‌انت»، دارای ۳۴ بند؛ در بیانِ اینکه گروهی از سیاستمداران به وحدت ملی و دینی دعوت می‌کنند اما با عدالت به همه فرصت رشد و پیشرفت نمی‌دهند و همه چیز را برای خود می‌خواهند و حقوقِ شهروندیِ بعضی از مردم در شهر خودشان به راحتی از آنان سلب شده و فرصت‌ها به غریبه‌ها داده می‌شود. در این قطعه می‌گوید که متأسفانه تا کنون دولت‌ها حق بلوچ‌ها را مراعات نکرده و در حق آن‌ها بی‌عدالتی کرده‌اند.
۳۲. با عنوان «دیوئندیان کُشین ما»، دارای ۳۶ بند؛ در بیانِ اختلافات مذهبی که فرقه‌های مذهبی مختلف در بلوچستان گاه با تحریکِ بیگانگان همدیگر را تکفیر می‌کنند و بر اثر همین تهجرگرایی افراطی به جان و مالِ یکدیگر رحم نمی‌کنند و کشتارهای فراوانی از این رهگذر اتفاق افتاده که خسارت‌های جبران ناپذیری برای بلوچ‌ها به بار آورده است. به عبارتِ دیگر، وقتی که بحث تکفیر پیش می‌آید، حکم قتل آسان می‌شود و بعضی به آسانی به آن مبادرت می‌ورزند.
۳۳. با عنوان «گوشتی، گوشتن»، دارای ۳۴ بند؛ در بیانِ اینکه در دنیایِ جدید افراد شرور و هوچی-گر که نام آن‌ها در رسانه‌ها بیشتر به میان می‌آید، خیلی مورد توجه افراد و به خصوص جوانان



هستند. و بر عکس، رسانه‌ها بزرگان علمی و ادبی جامعه خود را معرفی نمی‌کنند و مردم و به خصوص جوانان با آن‌ها بیگانه‌اند و این یکی از بدترین معضلات اجتماعی- فرهنگی جامعه بلوچستان است.

۳۴. با عنوان «شاهین گمردین ء کَهِیر»، دارای ۴۶ بند که بعد از هر ۳ بند چهارم به صورت ترجیع بند می‌آید؛ در بیان یادآوری بسیاری از حوادث تاریخی، فرهنگی و اسطوره‌ای بلوچستان در قالب خطاب به یک درخت معروف به نام «کَهِیر/کَهِور» که سمبل مقاومت و قدرت در بلوچستان است. در این خطاب از جدایی و وصل، نگرانی و اضطراب، امید و آرزو، آزادی و آبادی، خرمی و سرسبزی و گاه خشکسالی و قحطی،... سخن به میان می‌آید. به عبارتی، این قطعه در بیان ارزشمندی منابع طبیعی بلوچستان مانند آب و خاک و گیاه و ... اشاره دارد که باید قدر آن‌ها را باید دانست و در جهت احیای آن‌ها باید قدم برداشت.

۳۵. با عنوان «شاهیم و گم»، دارای ۲۸ بند؛ در بیان اینکه دانیان و شاعران دغدغه مشکلات اجتماع را دارند اما افرادی مانند کاسبان و تاجران فقط به فکر کاسبی خود هستند و با طعنه و کنایه کار شاعران را نیز بی مقدار جلوه می‌دهند. این گونه افراد قدر ادبیات را نمی‌دانند و لذت آن را درک نمی‌کنند و همه چیز را با معیار و ترازوی وزنی خود می‌سنجند و کار خود را بهترین می‌داند و کار دیگران را به چشم نمی‌آورند. به عبارت دیگر، شاعر می‌گوید که مردم بلوچستان به جوانب مختلف توجه ندارند و گستره دیدشان بسیار کوتاه شده است و بهتر است که آن‌ها همه جانبه نگر باشند و از لاک کوتاه بینی در آیند.

۳۶. با عنوان «مهمان»، دارای ۴۵ بند؛ در بیان اینکه گاهی آنقدر افراد دو نسل مثلاً مادر و دختر از نظر سنی با یکدیگر نزدیکند که به هیچ وجه تشخیص آن‌ها از یکدیگر میسر نیست و یا با آرایش‌هایی که می‌کنند فرق آن‌ها به طور کلی قابل شناخت نیست. و دیگران آن‌ها را به جای یکدیگر اشتباه می‌گیرند و در شناخت آن‌ها دچار دردرس می‌شوند.

۳۷. با عنوان «C-V»، دارای ۱۴ بند؛ در بیان رفتار افرادی که بر سر یک موضوع بسیار جزئی به نزاع می‌پردازند که آن نزاع ممکن است حتی عواقب مرگباری در پی داشته باشد. او می‌گوید که در جامعه گاهی بر اثر ندانم کاری‌ها و سهل انگاری‌ها و عصبیت قومی چنین مشکلاتی اتفاق



می‌افتد. بعلاوه، گاهی بر سر چیزهای بی ارزشی حوادثی اتفاق می‌افتد که جبران ناپذیرند و به قولی «دیوانه ای سنگی را در چاه می‌اندازد که صد عاقل نمی‌توانند آن سنگ را از آن چاه دریاورند.

۳۸. با عنوان «دلپروشی»، دارای ۲۸ بند؛ در بیان دستبرد به اموال دیگران که این عمل خاطر مالباختگان را به شدت آزرده می‌کند. در اثر این کار حاصل زحمات بسیاری از مردم در بلوچستان توسط دیگران که زحمتی را متحمل نمی‌شوند، غارت می‌شود و آن‌هایی که با هزار زحمت مالی را به دست آورده‌اند و برای استفاده از آن هزار آرزو دارند، آن را به آسانی از دست می‌دهند و با خاطری غمین روبرو می‌شوند. این موارد در بلوچستان کم اتفاق نیفتاده و این یکی از بدترین نمونه‌های بداخلاقی در جامعه است.

۳۹. با عنوان «کلک»، دارای ۱۸ بند؛ در بیان احوال کسانی که از مخارج روزانه خود کم می‌کنند و به خود زحمت و ملالت می‌دهند و پول در قلک پس انداز می‌کنند تا برای تهیه آنچه که نیاز دارند و یا آرزو دارند، اندوخته‌ای داشته باشند. اما دیگری با بی‌رحمی و بی‌ملاحظگی آن قلک را برمی‌دارد و هر طور که بخواهد آن پول به نفع و دلخواه خود استفاده می‌کند و تمام آرزوهای صاحب قلک را بر باد می‌دهد. این از نمونه‌های بارز بداخلاقی است که نمونه‌اش بسیار اتفاق افتاده است.

۴۰. با عنوان «کمپیوتر»، دارای ۲۸ بند؛ در بیان ارزش‌شناسی وقت است که بلوچ‌ها غالباً به آن بی‌توجهند و بسیاری از مردم جهان و - در این قطعه انگلیسی‌ها - از وقت به خوبی استفاده می‌کنند. به قول انگلیسی‌ها «وقت طلاست». در این قطعه، قرن حاضر قرن کامپیوتر نامیده شده و افراد زحمتکش در این قرن وقت سرخاراندن هم ندارند اما بخش بزرگی از وقت بلوچ‌ها به بطالت می‌گذرد.

۴۱. با عنوان «موت کا کنوان»، دارای ۲۸ بند؛ در بیان نمایش موتورسواری در دیوار مرگ که بعضی از تماشاچیان ممکن است از ترس از بالای دیوار بیفتند و دچار آسیب و حتی مرگ شوند که چنین اتفاقاتی به فراوانی رخ داده است و به جای موتورسوار، تماشاچیان دچار آسیب شده‌اند. بیشتر جوانان که سرنترسی دارند دست به چنین کارهای خطرناکی می‌زنند.



۴۲. با عنوان «کوتک»، دارای ۵۲ بند؛ در بیان فروش کالاهای تقلبی با هزار قسم و ترفند که مصداقی از کلاهبرداری است. در حالی که اگر کالا خوب باشد، نیاز به تعریف و تبلیغ ندارد. به قول سعدی: مُشک آن است که ببوید، نه آنکه عطار بگوید. از طرفی، امروزه دستفروشان فراوان شده اند و بدون قانون و ضابطه و پرداخت مالیات و عوارض، و حتی در وسایل حمل و نقل عمومی اقدام به خرید و فروش می کنند و گاهی باعث جنجال و دردسر و ایجاد مشکلات می شوند.

۴۳. با عنوان «دال»، دارای ۹۴ بند؛ در بیان یادآوری از نام تعدادی از خوراکی‌ها و آداب مهمانداری و اینکه میزبان در حد توانایی خود باید به مهمان خدمت کند و برای آنچه که خداوند برای خدمت به مهمان نصیب او کرده باید به درگاه خداوند شکرگذار باشد. گاهی بلوچ‌ها بیش از توانایی خود برای مهمان مایه می گذارند و حتی خود را بدهکار می کنند که لازم است در این رفتار تجدیدنظر شود.

۴۴. با عنوان «یکین پس»، دارای ۱۸ بند؛ در بیان اظهار گله و شکوه به درگاه خداوند که او عامل تمام رویدادهاست و تمام کارهای او با حکمت است. در این قطعه، تمام دارایی یک شخص فقط یک گوسفند است که آن را در اثر یک بیماری دامی از دست می دهد. او می گوید کسانی که دارا هستند، از بین رفتن بخشی از دارایی به آنها آسیب نمی رساند ولی آنان که ندارند و تنها دارایی خود را از دست می دهند، برای آنان آسیب بزرگی است. در این قطعه به نحوی بحث «نسبیت عام» مطرح است.

۴۵. با عنوان «گرینگو»، دارای ۱۰ بند؛ در بیان انتظار از کسانی که تحصیل کرده اند، آنها باید همه چیز بدانند و به اصطلاح «عقل گُل» باشند. اگر چنین نباشند، مورد تحقیر و تمسخر قرار می گیرند.

۴۶. با عنوان «شهنک و مهنک»، دارای ۱۰۰ بند؛ در بیان دعوای بی مورد زنان و مردان مزدوج به خاطر بعضی موضوعات بی ارزش خانوادگی و ایرادات بی موردی که مطرح می کنند و از یک کلاغ چهل کلاغ درست می کنند و با حرف این و آن به جان یکدیگر می افتند. گاهی چنین بگومگوهایی باعث لجبازی و اقدام به کارهای ناخواسته می شود که بنیان خانواده‌ها را



- خراب می‌کند. مخصوصاً در چنین مواقعی مردان فکر می‌کنند که برای سرکوب زنان، باید به تعدد زوجات پردازند که در اثر این کار، مشکلات خانوادگی به مراتب بیشتر می‌شود.
۴۷. با عنوان «پاتل»، دارای ۱۰ بند؛ در بیان اینکه کسانی تخصص انجام کاری را ندارند و با اقدام به آن کار از روی نادانی برای خود و دیگران در دسرهای مضاعفی ایجاد می‌کنند.
۴۸. با عنوان «سرکار ۳۴»، دارای ۳۴ بند؛ در بیان بی‌رحمی بسیاری از متعصبان و مزدوران و فریب خوردگان و افتادن به جان مردم به دستور حکومت و یا گروه‌ها و احزاب و ... این افراد ملاحظه کسی را نمی‌کنند و خشک و تر را با هم می‌سوزند. گاهی به خاطر انتقام کشته شدن افراد نظامی و انتظامی توسط خرابکاران و خلافکاران، آنان به جان مردم می‌افتند. در واقع مردم از دو طرف آماج دردسرها هستند، هم از طرف خرابکاران و خلافکاران و هم از طرف نیروهای نظامی و انتظامی دولتی.
۴۹. با عنوان «بیلر ۳۴»، دارای ۱۴ بند؛ در بیان آثار تنبیهات و مشکلات به خاطر دسترسی به ضروریات اولیه زندگی که این آثار همیشه برجا می‌ماند و به قول معروف درس عبرت برای فرد می‌شود. آثار چنین تنبیهاتی بر تن بسیاری از بلوچ‌ها وجود دارد.
۵۰. با عنوان «موبنگ»، دارای ۲۰ بند؛ در بیان دزدی بعضی از استادکاران مانند خیاطان و طلاکاران از مواد مصرفی که مشتریان برای ساخت کالایی به آن‌ها می‌دهند. باید گفت این خود نوعی بد اخلاقی است که باعث بی‌اعتمادی و گسترش بزهکاری می‌شود و در جامعه دردسر ایجاد می‌کند.
۵۱. با عنوان «گنوک»، دارای ۱۰ بند؛ در بیان اینکه در این دنیا هر کسی مجذوب چیزی است و به طور کلی قانون جاذبه بر همه چیز حاکم است. یکی عاشق گردآوری مال است و دیگری مریدی است که مراد می‌طلبد. در واقع همه واله و شیفته چیزی یا کسی هستند و نباید فکر کرد آنچه را که شخص خاصی می‌پسند، باید همه همان را بپسندند.
۵۲. با عنوان «من گولی آن»، دارای ۱۰ بند؛ در بیان قضاوت دیگران در باره افراد که هر کس از پشت عینک خود و با دانش پیشین خود در باره کسی قضاوت می‌کند. با دخالت در کار دیگران، گاه اشخاصی باعث آزار دیگران می‌شوند و دوست دارند که همه به میل آن‌ها عمل کنند. در واقع حق انتخاب و اختیار را از دیگران سلب می‌کنند.



۵۳. با عنوان «میرین بلوچ»، دارای ۱۴ بند؛ در بیان نگرانی از اوضاع نابسامان بلوچ ها. گروهی اعتقاد دارند که معمای سرنوشت بلوچ ها با دیگران فرق دارد و البته بخت و اقبال بلوچ ها را با بدبختی و نابسامانی گره می زنند. البته می دانیم که در سعادت و یا شقاوت افراد و اقوام عوامل بسیاری مانند امکانات اقلیمی، نوع حکومت ها، میزان سواد و آگاهی مردم، و ... دخیل هستند و فقط یک عامل نیست و عامل بخت و اقبال هم موضوعیتی ندارد.

۵۴. با عنوان «مشکنتی سألونک»، دارای ۱۴ بند؛ در بیان ازدواج های نامناسب افراد از زن و مرد با اختلافات سنی بسیار. زناشویی این افراد به خاطر عدم تناسب به درازا نمی کشد و نتیجه نمی دهد، و مانند یک وصله است که به چیزی مانند لباسی می زنند و آن دوامی ندارد. از این گونه ازدواج ها در بلوچستان به فراوانی اتفاق می افتد.

۵۵. با عنوان «شاه بی بی»، دارای ۹۰ بند؛ در بیان تقابل دو گروه از دختران و پسرانی که یک گروه آداب و رسوم گذشتگان را پاس می دارند و به اصطلاح زود راه را کج نمی کنند و در مقابل گروه دیگر زود تحت تأثیر تجددگرایی قرار می گیرند و بر همه چیز گذشتگان خط بطلان می کشند.

۵۶. با عنوان «حج ء آب زمزم»، دارای ۹۰ بند؛ در بیان آرزوهای یک بلوچ در صورت داشتن دارایی مادی و دادن قول ها برای انجام بعضی کارهای عام المنفعه. بعضی از این برخورداران وقتی به مال و منال دست می یابند، بعضی از آرزوها و قول های خود را که تا حدی جنبه ریا و خودنمایی دارند، جامه عمل می پوشانند، اما برای کارهای فرهنگی و قومی و اجتماعی کمتر گام برمی دارند.

۵۷. با عنوان «بی و سی»، دارای ۷۳ بند؛ در بیان کسانی که به دیگران آسیب می رسانند و به جای آنکه از آنان معذرت خواهی کرده و خطاهای خود را جبران کنند، به دلیل ضعف و بیچارگی آسیب دیدگان، حتی به به ضرب و شتم آنان نیز می پردازند. دیگران هم به جای اینکه به کمک مظلوم بیایند، به کمک ظالم می روند. چنین بداخلاقی هایی در بلوچستان وجود دارد که ظالمان پررو می شوند و مظلومان به حق خود نمی رسند. البته این گونه ستم ها از خاطر



بلوچ‌ها هرگز پاک نمی‌شود و به صورت انتقام می‌ماند که در نهایت باعث انتقام تاریخی می‌شود. شاعر می‌گوید که فرصت برای انتقام‌گیریِ بلوچ تا دویست سال کاملاً تازه است.

۵۸. با عنوان «ملک‌میت»، دارای ۴۴ بند؛ در بیان حیوانی که هم اسباب سرگرمی است و هم باعث شرط بندی، و شخص از طریق شرط بندی با چنین حیوانات یا چیزهای فراوانی به دست می‌آورد و یا از دست می‌دهد. به هر حال خاطره آن حیوان همیشه در ذهن صاحبش زنده است. در این قطعه بحث بر سر یک خروس جنگی است که بسیار برای صاحبش عزیز است و به ناگاه آماج یک بیماری شده و از صحنه خارج می‌شود و فقط خاطره ای از آن در ذهن صاحبش می‌ماند.

۵۹. با عنوان «بی پان ء نَبیت»، دارای ۱۴ بند؛ در بیان بعضی از عادت‌های ناپسند؛ وقتی که این عادت‌ها نهادینه می‌شوند، گویا جزء ضروریات زندگی به حساب می‌آیند. در این قطعه به عادت «پان خوردن»^۱ مردم کراچی اشاره شده است به نحوی که گویا جزء ضرورت‌های زندگی بسیاری از مردم بلوچ و به خصوص مردم کراچی شده است.

۶۰. با عنوان «دنیای گوش ایت که زندگِ اِنْت»، دارای ۱۷۰ بند؛ در بیان تأثر از اوضاع نابسامان سرزمین بلوچستان و اینکه سامانمندی و آبادانی آن آرزویی است که در دل همه است و به خصوص در دل قشر تحصیلکرده و مسئول. در این قطعه پایانی که شاعر آن را «دُرْگُل» می‌نامد منظور سرزمین بلوچستان است. شاعر آن ۵۹ قطعه طنز پیشین را در این آخرین قطعه خلاصه می‌کند. در این قطعه او یادی از تمامی دوستان خود که با آرزوهای زیاد - به خصوص آرزوی آبادی بلوچستان - دنیا را وداع کردند، می‌کند. اول از سید ظهورشاه هاشمی (شاعر، نویسنده و لغت‌شناس معروف بلوچستان در دوره معاصر) یاد می‌کند و از افسوسی می‌گوید که برای او در دل مردم مانده است. به دنبال آن، از ۶۶ نفر نام می‌برد که هر کدام اهل دانش و خردمندی بوده‌اند و از این جهان رفته‌اند و بلوچستان از وجود آن‌ها بی‌بهره شده

^۱ پان نوعی ماده مخدر است که به صورت جویدنی در پاکستان و به خصوص در کراچی مصرف فراوان دارد. مصرف این ماده که سرطان‌زا نیز هست، در سال‌های اخیر در بخش‌هایی از نقاط مرزی ایران که با پاکستان هم مرز هستند نیز تا حدی رواج یافته است.



است. در نگاه شاعر، گویا زندگی در بلوچستان یک خواب و خیال است و هیچ چیز به ثمر نمی رسد. با ذکر نام این رفتگان، شاعر می خواهد یاد آن ها را گرامی بدارد و برای همیشه در خاطرات زنده نگه دارد.

نتیجه گیری

از مجموع مباحث مقاله نتایج زیر به دست می آید:

شاعر با آگاهی عمیق از معضلات بلوچستان که حاصل تجربیات او به خاطر بودن در میان مردم بلوچستان بوده است، در قالب طنز و با زبانی بسیار ساده و عام پسند به تعداد ۶۰ قطعه، بخش بزرگی از معضلات جامعه کنونی بلوچستان را به خصوص در بخش بلوچستانی پاکستان به تصویر کشیده است.

هر کدام از این ۶۰ قطعه مقوله ای از معضلات بلوچستان را مورد اشاره قرار داده که بعضی از این معضلات عبارتند از: وقت را به بطالت گذراندن، بداخلاقی هایی مانند دروغ و بدعهدی، دزدی، بی توجهی به منابع طبیعی، تصییع حقوق دیگران، فاصله گرفتن از فرهنگ و آداب و رسوم ارزشمند بلوچی مانند مهمانداری و مهمانپذیری و... شاعر به طور غیرمستقیم از نسل حاضر می خواهد که به این معضلات با چشم باز توجه کرده و از آن ها دوری جویند، و خود را با دنیای پیشرفته قرن ۲۱ هماهنگ ساخته و شهروندان خوبی باشند و حقوق متقابل را مراعات کنند. این کتاب را می توان به نحوی یک کتاب تعلیمی - اجتماعی قلمداد کرد.

به نظر می آید که این اثر عابد آسکانی مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته و در تدریس زبان و ادبیات بلوچی، بخش هایی از آن می تواند به عنوان کتاب درسی تدریس شود. غالباً نویسندگان بلوچ با توجه به کمبود منابع، میل دارند از همه چیز در آثار خود بگنجانند تا تقریباً همه چیز را گفته باشند. به نظر می آید نویسنده این کتاب هم چنین هدفی را دنبال کرده و از عهده چنین کاری به خوبی نیز برآمده است.

معرفی این اثر که موضوع مورد نظر این مقاله است و احیاناً ترجمه آن به زبان های دیگر در آینده، باعث ارتقاء بخشی آن شده و می تواند برای مستندسازی فرهنگ و زبان و ادبیات قوم بلوچ کمک شایانی کند و نسل حاضر را که از این موضوعات فاصله گرفته اند، با داشته های قوم بلوچ آشنا



سازد و دیگران را نیز با تجربیات و داشته‌های این قوم ایرانی باستانی آشنا سازد. برای مثال، کسانی که علاقه‌مند به کار نمایشی هستند، می‌توانند هر کدام از این قطعات را عنوانی برای کار نمایشی خود قرار دهند و ۶۰ قطعه نمایش درست کنند. بعلاوه کسانی که علاقه‌مند به داستان نویسی هستند، هر کدام از این قطعات به نحوی پرورش یافته‌اند که انگار داستان و یا رویدادی را بیان می‌کنند و با پرورش آن‌ها، می‌توان برای هر کدام، چه بزرگترین قطعات و یا کوچکترین آن‌ها، می‌توان گاهی یک داستان بلند و گاهی یک داستان کوتاه نوشت.

با انتخاب ۶۰ قطعه متنوع طنز، شاعر قصد داشته است که در قالب این طنزها بسیاری از جوانب متنوع فرهنگ و زبان بلوچی، منابع طبیعی، مشاهیر، مناطق جغرافیایی، میراث مادی و معنوی بلوچستان را به خواننده معرفی کند. بی تردید خواننده با خواندن دقیق این اثر صاحب کوله‌باری از دانش در باره فرهنگ و زبان بلوچی، منابع طبیعی، مشاهیر، مناطق جغرافیایی، میراث مادی و معنوی بلوچستان خواهد شد.

منابع

- آسکانی، عابد، (۲۰۰۰ میلادی)، چُشین شوم و شانزده، انتشارات بهارگاه، حبّ، پاکستان.
- آسکانی، عابد، (۲۰۰۸)، دادشاه، انتشارات بهارگاه، حبّ، پاکستان.
- آسکانی، عابد، (۲۰۱۶)، ذرشان و زرشان، انتشارات کراچی پریس، حب چوکی، پاکستان.
- آسکانی، عابد، (۲۰۱۶)، ذرشان و زرشان، انتشارات کراچی پریس، حب چوکی، پاکستان.
- آسکانی، عابد، (۲۰۱۶)، سَسَاءِ بهارگاه، انتشارات کراچی پریس، حب چوکی، پاکستان.
- جهان‌دیده، عبدالغفور، (بی‌تا)، «تاریخچه شعر و ادبیات منظوم بلوچی»، ماهنامه کُرسی، دانشگاه پیام نور البرز، سال اول، شماره ششم (ویژه‌نامه شعر بلوچ)، ۸-۲۰.
- دشتی آهنگر، مصطفی، (۱۳۹۲)، فارسی عمومی، انتشارات برسات، تهران.
- فرهنگ بزرگ سخن، به کوشش حسن انوری، ۱۳۸۸، انتشارات سخن، تهران.
- کشاورز، رسول بخش، (۱۳۹۴)، بلوچی بتل گنج و گالوار، انتشارات، ...، قم. برای ضرب المثل‌ها از این کتاب استفاده شود.



- گودرزی، فرهاد، و محمدرضا یاراحمد، (۱۳۷۱)، راهنمای انگلیسی برای دانشجویان علوم انسانی (۱)، نشر آئینه، تهران.
- مجموعه اشعار طنز، گردآوری شده در نشریه اولین جشنواره شعر طنز بلوچی، ایرانشهر، مجتمع فرهنگی - هنری ارشاد، اردیبهشت ۱۳۹۴.
- محمودزهی، موسی، (۱۳۹۱)، آیین‌ها، باورها، و فرهنگ مردم بلوچستان، انتشارات آبتین، تهران.
- پرین، لورانس، (۱۳۷۹)، ادبیات انگلیسی - عناصر شعر، ترجمه حسن سلیمانی، و مژگان حسن زاده، نشر بخشایش، قم.
- مصاحبه با حاج غلام حیدر قُبا (کزوری)، ساکن ایرانشهر، از دوستان بسیار نزدیک عابد آسکانی.
- Nowruzi Mehdi & Birjandi Parviz, (۲۰۰۴), English for the Students of Humanities, Tehran, (SAMT).